

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

نعمت الله مختارزاده
شهر اِسْن - المان

مَپرس

عسلی از لب و دندانی مکیدم که مپرس
جگری را ز زبانی بگزیدم که مپرس
لذت و نشه بهتر زمی و جام شراب
عاقبت ، از دهن و کامی چشیدم که مپرس
تا هلال خم ابروی نگاری دیدم
وقت افطار شد و هر سو دویدم که مپرس
میوه نوری از نخل وجود صنی
به هزار عشوه و تمکین ، بچیدم که مپرس
هوس پیکر لرزان و حریر بدنی
به سر بستر معشوق ، خزیدم که مپرس
ناله و زمزمه عشق ، به لحن نمکین
ز گل و میوه و برگی ، بشنیدم که مپرس

لعل و یاقوت چکد ، گر ز بدخشان به یمن
بسی تبخال ، به لبها بکشیدم که می‌رس
من که مدهوش زیک قطره شرابِ وصلم
نقدِ جان داده و چیزی بخریدم که می‌رس
همه گویند می‌رس ، جز سخنِ عشق می‌رس
با نمک آشی ، به دیگی ، بی‌زیدم که می‌رس
«نعمت» از بین همه زاغ و زغن گفت چنین
کفترِ عشقم و از بامی ، پریدم که می‌رس